فرهنگ توصیفی

گونه های زبانی ایران

تألیف

دکتر ایران کلباسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فرهنگ توصیفی

گونه های زبانی ایران

دکتر ایران کلباسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۸۹

تاکستانی

ruǰ-i	i-nne	mardak	va	i-nne	sar-bâz
روزی	یک	مرد	و	یک	سرباز

ham-diyar-e bi	v-inde.	â	sar-bâz	basteve-?i
با همدیگر	بودند	آن	سرباز	کوزه‌ای

dâš-č-e	ke	ǰâ mune	mâst	ve-Ø.	â	mardak
داشت	که	درآن	ماست	بود	آن	مرد

m-âǰ-e	basteve	o-Go-Ø	va	tâ	deh mune
می‌گوید	کوزه‌را	بردار	و	تا	داخل دِه

b-or-Ø,	a	do	Gerun	ešte râ	â-n-d-em.
بیاور	من	دو	قران	به‌تو	می‌دهم

mardak	basteve	o-Gor-č-e	va	duš-eš sar
مرد	کوزه را	برداشت	و	رویِ شانه‌اش

â-n-ây-še.	râ mune	xoštan-eš-e bi	fekr-eš	mi-ye
گذاشت	در راه	با خودش	(عامل)فکر	می‌کرد

va	me-vâ-č-e	ǰi	do	Gerun-e	â-n-d-em
و	می‌گفت	این	دو	قران را(معرفه)	می‌دهم

va	kar-xâ	â-n-ger-em.	âsâni	kar-xâ	râ
و	تخم‌مرغ	می‌گیرم	سپس	تخم‌مرغ	را

kark-e bēx	â-n-em.	kar-xâ	čilli-ye	me-gard-iye.
زیرِمرغ	می‌گذارم	تخم‌مرغ	(غیرفاعلی)جوجه	می‌گردد(مؤنث)

čilli-ye	pellam	b-iye	va	kark-e	me-gard-iye.	
جوجه(معرفه)	بزرگ	می‌شود(مؤنث)	و	(غیرفاعلی)مرغ	می‌گردد(مؤنث)	
kark-e	kar-xâ	â-n-iye	va	čilli-yun-eš	pellam	
مرغ(معرفه)	تخم‌مرغ	می‌گذارد(مونث)	و	جوجه‌هایش	بزرگ	
b-inde.	âsâni	ǰi	kark-un-e	â-n-d-em	va	
می‌شوند	سپس	این	مرغها را(معرفه)	می‌دهم	و	
i	dine	mâ-Gâv-e	â-n-ger-em.	â	mâ-Gâv-e	
یک	دانه	(غیرفاعلی)گاو ماده	می‌گیرم	آن	گاو ماده(معرفه)	
pellam	b-iye	va	me-zzâ-ye.	do	so	dune
بزرگ	می‌شود(مونث)	و	می‌زاید(مونث)	دو	سه	دانه
gusâle	me-zzâ-ye.	âsâni	a	ǰi	gusâle-yun-e	
گوساله	می‌زاید(مؤنث)	سپس	من	این	گوساله‌هارا	
â-n-d-em	va	zeyn-iye	â-n-ger-em.	zeyn-iye		
می‌دهم	و	زن	می‌گیرم	زن		
čeme râ	zârin	m-or-iye.	a	masǰed	me-š-em	
برایِ من	بچه	می‌آوَرَد(مؤنث)	من	مسجد	می‌روم	
va	nomâz	me-xen-em.	zeyn-iye	zârin-e râ		
و	نماز	می‌خوانم	زن	به بچه		
m-âǰ-iye	be-še-Ø	piyar-et râ	vâ-t-an	b-â.	a	
می‌گوید(مونث)	برو	به پدرت	بگو	بیاید	من	
ǰâ	m-âǰ-em	ke	me-n-o-me.	fekr-eš-e de	ǰi	
به او	می‌گویم	که	نمی‌آیم	در فکرش	این‌را	
me-vâ-č-e	ke	basteve	be-ka-t-Ø.	mâst-un		
می‌گفت	که	کوزه	افتاد	ماستها		
pâk	bi-ri-t-inde	zamin-e sar.	sar-bâz	m-âǰ-e		
همه	ریختند	رویِ زمین	سرباز	می‌گوید		

čeme mâst-un	či râ	bi-ri-t-i?	mardak	m-âǰ-e
ماستهای مرا	برای چه	ریختی	مرد	می‌گوید

zârin-em	kâ-der-e?	a	masǰed-e mune	ve-yme,
بچه‌ام	کجاست	من	در مسجد	بودم

kârâ	zârin-em râ	me-vâ-t-em	ke	me-n-o-me.
داشتم	به بچه‌ام	می‌گفتم	که	نمی‌آیم

sar-bâz	m-âǰ-e	maye	ta	či-yer-d-i-v-i?
سرباز	می‌گوید	مگر	تو	چه کرده بودی

mardak	m-âǰ-e	a	ešte do Gerun-e	xarǰ-em
مرد	می‌گوید	من	دو قران تو را (غیرفاعلی)	خرج (عامل)

ye	va	tâ	en-gâ	čeme râ	vas	ve-Ø.
کردم	و	تا	اینجا	برایِ من	بس	بود

basteve	ham	be-šk-est-em.
کوزه را	هم	شکستم

نکات دستوری، آوایی و واژگانی این متن

۱. قلب مضاف و مضاف الیه دارد، مانند zamin-e sar (روی زمین).

۲. حرف اضافهٔ پسین دارد، مانند ešte râ (به‌تو).

۳. نشانهٔ اضافه e- است، مانند kark-e bēx (زیرِ مرغ).

۴. حرف اضافهٔ «به» به صورت râ، «را» به صورت râ یا Ø-، «برای» به صورت râ، «از» به صورت az، «با» به صورت bi، «در» به صورت mune یا de، و «تا» به صورت tâ است.

۵. نشانهٔ معرفه e- یا Ø و نشانهٔ نکره کلمهٔ i-nne (یک) و پسوند i- است.

۶. کلمهٔ «مرد» وقتی به صورت اسم جنس مفرد باشد به صورت mardak و «زن» به صورت zeyn-iye است.

۷. نشانهٔ جمع پسوند un(y)- است، مانند čilli-yun (جوجه‌ها)، mâst-un (ماستها).

۸. ضمیر اول شخص مفرد a (من)، دوم شخص مفرد ta (تو) و سوم شخص مفرد â (او) است.

۹. ضمیر شخصی آزاد در نقشهای فاعلی، مفعولی و ملکی صورت متفاوت دارد، مانند a (من)، čeme râ (برای من)، čeme mâst-un (ماستهای من).

۱۰. حالت فاعلی بدون نشانه و حالت غیرفاعلی دارای نشانهٔ e- است، مانند kark-e me-gard-iye (مرغ می‌گردد).

۱۱. شناسهٔ فعلی اول شخص مفرد em- یا ime-، دوم شخص مفرد i- و سوم شخص مفرد e- است.

۱۲. شناسهٔ فعلی گذشتهٔ ساده سوم شخص مفرد Ø- است، مانند ve-Ø (بود).

۱۳. نشانهٔ استمرار فعل پیشوند -me یا -n است، مانند me-gar-iye (می‌گردد)، â-n-d-em (می‌دهم).

۱۴. فعل گذشتهٔ ساده با پیشوند تصریفی یا اشتقاقی ساخته می‌شود، مانند be-ka-t-Ø (افتاد)، â-n-ây-še (گذاشت).

۱۵. همخوان میانجی [y] یا [?] است، مانند me-zzâ-ye (می‌زاید)، basteve-?i (کوزه‌ای).

۱۶. هم‌آهنگی واکه‌ای دارد، مانند i dine (یک دانه)، so dune (سه دانه).

۱۷. تعداد همخوان و واکه‌های آن شبیه فارسی معیار است، ولی تفاوت در واجگونه‌هاست.

۱۸. جنس دارد که در شناسهٔ سوم شخص مفرد خود را نشان می‌دهد. به این معنی که شناسهٔ سوم شخص مفرد برای جنس مذکر e- و برای جنس مؤنث iye- است.

۱۹. ویژگی ارگتیو دارد. به این معنی که در زمان گذشتهٔ افعال متعدی به جای شناسهٔ فعلی از ضمیر شخصی پیوسته استفاده می‌شود، مانند xarǰ-em ye (خرج کردم).

۲۰. ضمیر شخصی پیوسته دارد، مانند zârin-em (بچه‌ام).

۲۱. کلمهٔ «هم» به صورت ham، «این» به صورت ǰi، «بزرگ» به صورت pellam، «زیرِ» به صورت bēx، «رویِ» به صورت sar، «کوزه» به صورت basteve، «جوجه» به صورت čilli، «تخم‌مرغ» به صورت kar-xâ و «مرغ» به صورت kark است.

۲۲. با فارسی معیار تفاوتهای آوایی، واژگانی (قاموسی یا صرفی) و نحوی دارد.

نتیجه‌گیری

«تاکستانی» که در شهر تاکستان، واقع در شهرستان قزوین، در استان قزوین به کار می‌رود، لهجه‌ای از گویش تاتی است. «تاتی» یکی از گویشهای ایرانی است که در چندین نقطه از ایران به‌کار می‌رود.

تالشی

نگاه کنید به «پونلی»، «طولارودی»، «کِشلی»، «کیشه‌خاله‌ای».

تبریزی

نگاه کنید به «ترکی تبریزی».